

پیشینه و روش تألیف درباره مهدویت^۱

عرفان محمود

ترجمه: محمدجواد برهانی*

چکیده

نویسنده این نوشتار کوشیده است پیشینه و روش تألیف و تحقیق درباره حضرت مهدی عج و مسائل مهدویت را بررسی نماید. از زمان پیامبر ص مطالب فراوانی درباره مهدویت وجود دارد و نویسنده، تألیفات مهدوی از آن زمان تا کنون را بررسی کرده و کتاب‌هایی که توسط شیعه و سنی نوشته شده، به عنوان نمونه آورده است. در بخش دیگر، درباره روش‌های تحقیقی کتاب‌های مهدوی بحث کرده و به روش‌های روایی، قرآنی، عقلی، تاریخی، تحلیلی و ... اشاره نموده است.

واژگان کلیدی

حضرت مهدی عج، پیشینه تألیف، روش تحقیق درباره مهدویت، عصر غیبت، عصر پیش از ولادت، عصر ظهور.

مقدمه: فواید مورد انتظار از بررسی پیشینه و روش تألیف درباره مهدویت

بررسی حرکت تألیف اسلامی درباره امام مهدی علیه السلام برای شناخت میزان تأثیر اعتقاد به مهدویت در زندگی مسلمانان و اهمیت مهدویت در اکمال دین و اتمام نعمت الهی مفید است؛ زیرا فراوانی تألیف درباره مهدویت، حاکی از اهتمام رهبران اسلام - پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام - به مهدویت و تثبیت اصول مهدویت در وجدان دینی است. روشن است که آن بزرگواران متناسب با میزان تأثیر مسئله‌ای از مسائل اسلامی، بر تحقق اهداف شریعت الهی که به هدایت بشر به سوی زندگی کریمانه منتهی می‌گردند و برای انسان سعادت حقیقی دو جهان را به ارمغان می‌آورند، می‌پرداختند.

اگرچه برخی مسائل مهم که بسیار مورد توجه معصومین علیهم السلام بوده‌اند و درباره آن‌ها احادیث فراوانی وارد شده است، بدون این که از اهمیتشان کاسته شود، مورد اهتمام علمای اسلام نبوده‌اند، اما این پدیده برای نتیجه‌ای که ما در پی آن هستیم تا با بررسی حرکت تألیف درباره مهدویت به دست آوریم، نقضی محسوب نمی‌شود؛ زیرا اولاً امثال این پدیده‌ها هرچند گزاره‌هایی مهم به شمار می‌روند، اما با گزاره‌های اعتقادی اساسی که مؤمنان بدان‌ها نیازمندند، مرتبط نیستند. ثانیاً این گزاره‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی مسلمانان، در طول تاریخ استمرار نداشته‌اند؛ زیرا غفلت از آن‌ها گاه تنها در یک نسل یا در مدت زمانی معین ادامه یافته و سپس علمای جدید بدان‌ها پرداخته‌اند و برای کسانی که جریان حرکت فکری را در تاریخ اسلامی مورد مطالعه قرار می‌دهند، امری مشهود به شمار می‌رود، بلکه مصداق تجدید اسلامی در هر قرن، بیش‌تر از این نوع است.^۲ بدین ترتیب اهتمام به گزاره‌ای معین در طول تاریخ اسلام، حاکی از میزان اهمیت آن گزاره است.

از جمله فواید بررسی حرکت تألیف درباره حضرت مهدی علیه السلام آشکار شدن بطلان سخن کسانی است که گمان کرده‌اند باور به مهدویت، یا زائیده زمان فترت حیرت است که شیعیان بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام بدان دچار شدند، یا به سبب دور ماندن ائمه علیهم السلام از حکومت بعد از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه و جدال امام حسین علیه السلام و اصحاب و اهل بیتش در واقعه طف و در خطر قرار گرفتن شیعه با انواع ترور و کشتار از سوی حکومت اموی و عباسی است. به گمان آنان باور به مهدویت باعث شده است شیعیان از نابودی کامل در امان بمانند؛ زیرا حرکت تألیف، مدت‌ها پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام آغاز شده و با مطالعه در این زمینه درمی‌یابیم مهدویت مخصوص شیعیان نیست، بلکه یک باور عام اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین مهدویت نتیجه دور ماندن امامان شیعه از حکومت نیست؛ زیرا اندیشه‌های مهدویت را پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که دولت الهی‌اش در اوج قدرت قرار

داشت بیان فرمود، همان گونه که امام علی علیه السلام بسیاری از تفصیلات مهدویت را در زمان خلافت بر بزرگترین مملکت اسلامی بیان داشت. از این رو، ممکن نیست باور به مهدویت، زاده زمان های ضعف و ناامیدی باشد.

از جمله ثمرات مطالعه این حرکت، شناخت مصادر اصلی برای بررسی مهدویت در ابعاد مختلف است و از این جا می توان کتاب مرجع را شناخت که شایسته رجوع برای ارزش یابی آرا درباره ابعاد مختلف این باور باشد و به وسیله آن، دست یابی به سخن صحیح در این مسئله و تمییز آن از اقوال نادرست و انحرافی مانند تحریف های عباسیان و امویان که به جهت اغراض سیاسی درباره اصل این باور مطرح شده است، امکان پذیرد.

از دیگر ثمرات این بحث، شناخت روش در بحث مهدویت و میزان حجیت آن است و از این راه می توان شیوه درست را برای رسیدن به شناخت کافی از این مسئله به کار گرفت. آنچه در این نوشتار بیان می شود، بررسی کامل این حرکت نیست، بلکه می کوشیم مقدمه ای برای مطالعاتی گسترده در این زمینه باشد که بیان آن در یک مقاله امکان پذیر نیست و آنچه در این مقاله می آید ملاحظات درباره دو جنبه از بحث هایی است که در این حرکت شناخته شده اند: نخست، شناخت تاریخ آغاز تألیف تصنیفات مستقل درباره مهدویت، با اشاره به برخی از ابواب و فصولی که در تألیفات دیگر در این زمینه آمده است؛ و در گام دوم، شناخت مهم ترین روشی که این حرکت در بررسی های خود درباره مهدویت بر آن تکیه کرده است.

استمرار تألیف درباره مهدویت

در خلال مراجعه به فهرست هایی که مؤلفات اسلامی را بیان داشته و حفظ کرده اند - که در مقایسه با آنچه حفظ نشده و از بین رفته یا در دسترس نیستند یا در دایرة المعارف های تخصصی به ثبت نرسیده اند بسیار اندک است - به وضوح می توان استمرار حرکت تألیف درباره مهدویت و اثبات اصول آن را در طول تاریخ اسلام مشاهده کرد.^۲ در هر قرن، نام ده ها تألیف درباره مهدویت که از سوی برجسته ترین علمای اسلامی با گرایش های مختلف فکری تصنیف شده، به ثبت رسیده است که در این بحث به نمونه هایی از تصنیفات قرن های مختلف در زمان های قدرت و ضعف و در عصرهای شکوفایی و پیشرفت و دوران عقب ماندگی و پسرفت اشاره خواهیم کرد.^۴

این امر نهایت اهتمام به مهدویت را می رساند که از عمق تأثیر باور به مهدویت در زندگی مسلمانان هر عصر حکایت می کند؛ به این معنا که نیاز به مهدویت استمرار داشته است، به ویژه وقتی

هویت مصنفان موضوع مهدویت را ملاحظه می‌کنیم؛ زیرا بسیاری از آن‌ها، از جمله علمایی هستند که در دارا بودن بالاترین مقام معنوی، اهتمام بسیار در دفاع از اسلام و فانی شدن در نشر تعالیم اسلامی و هدایت مردم بدان، مورد اتفاق همه بوده‌اند.

آغاز تألیف درباره مهدویت

به یقین می‌توان گفت آغاز نهضت تألیف درباره مهدویت با ظهور نهضت تدوین حدیث در تاریخ اسلام در میانه قرن دوم هجری هم‌زمان بوده و احتمالاً پیش از این تاریخ بوده است؛ زیرا به نظر می‌رسد پیش از آن تاریخ کتاب‌هایی مستقل درباره مهدویت به وسیله شیعیان نوشته شده است. بر اساس فهرست شیخ طوسی، علی بن یقظین بن موسی بغدادی اسدی کوفی الاصل، کتابی در ملاحم نگاشته که در آن، سؤال‌هایی که از امام صادق (ع) درباره امام مهدی (ع) شده، درج گردیده است. علی بن یقظین، فردی ثقة و مطمئن و از بزرگان و اصحاب خاص امام کاظم (ع) است. در کتاب‌های تراجم، بسیاری از تصنیفات درباره امام مهدی (ع) در زمان امام کاظم و فرزندش امام رضا (ع) از سوی بزرگان اصحاب آن دو امام همام را نام می‌برند؛ مانند آثار ابی‌یعقوب اسماعیل بن مهران سکونی که ثقة بوده و از امام رضا (ع) روایت کرده است و ابی‌الحسن علی بن محمد شاطیری از اصحاب امام کاظم (ع) و محمد بن ابی‌عمیر و ... که در ادامه بیان خواهیم کرد.

تألیف درباره مهدی (ع) پیش از ولادت آن حضرت

از این‌جا روشن می‌شود که در حدود یک یا دو قرن پیش از ولادت امام مهدی (ع) حرکت تألیف درباره مهدویت آغاز شده است، همان‌گونه که شیخ صدوق در این باره تصریح می‌کند و به زودی آن را نقل خواهیم کرد. مؤلفات این دوره متضمن احادیثی است که با تفصیل در مواردی چون ولادت حضرت مهدی (ع) از امام حسن عسکری (ع) و پنهان کردن ولادت آن حضرت از چشم ستم‌کاران و محافظت این مولود مبارک و دو غیبت آن حضرت، غیبت صغرا که مدت آن کوتاه بوده و غیبت کبرا که مدت آن طولانی است، پرداخته است. بسیاری از کتاب‌های این دوران تحت عنوان الغیبة تألیف شده‌اند و حتی اگر نام دیگری هم داشته به این نام مشهور گردیده‌اند، همان‌گونه که شهرت این تألیفات به این نام، دلیلی ضمنی بر کثرت آن‌هاست.

بسیاری از علمای بزرگ شیعه، این پدیده را دلیلی بر صحت امامت مهدی منتظر (ع) و صحت غیبت آن حضرت دانسته‌اند و این که غیبت حضرت به دستور خداوند بزرگ بوده است؛ زیرا پیش از

ولادت حضرت مهدی علیه السلام، احادیث بسیاری در این دسته از تألیفات از وجود و غیبت آن حضرت خبر داده‌اند. شیخ مفید، شیخ صدوق، سید مرتضی، شیخ طوسی، سید بن طاووس و ... به این مطلب اشاره کرده‌اند. سید بن طاووس می‌فرماید:

غیبت مولانا امام مهدی - صلوات الله علیه - که مخالفان و برخی موافقان از غیبت آن حضرت متحیر شده بودند، حجتی بر ثبوت امامت وی و امامت پدران پاکش و جدش محمد صلی الله علیه و آله است؛ زیرا با نگاهی به کتاب‌های شیعه و غیرشیعه، مانند *الغیبة* ابن بابویه، *الغیبة* نعمانی، *الشفاء و الجلاء*، در اخبار مهدی و صفات آن حضرت و حقیقت ثبوت و خروج آن حضرت اثر ابی نعیم الحافظ و دیگر کتاب‌هایی که به ولادت آن حضرت پرداخته‌اند و در کتاب *الطرائف* به آن‌ها اشاره کرده‌ام، درمی‌یابیم حضرت غیبتی طولانی خواهد داشت، به گونه‌ای که برخی معتقدان ایشان، از باور خود برمی‌گردند. اما اگر این غیبت طولانی نبود، مردم درباره امامت پدران آن حضرت اشکال وارد می‌کردند. لذا غیبت آن حضرت حجتی برای ائمه علیهم السلام و حجتی برای خود آن حضرت علیه مخالفانش شد که به امامت وی شک داشتند و غیبتش را نپذیرفتند.

نقش ائمه علیهم السلام در سیر تألیف

کتاب‌هایی که پیش از ولادت حضرت حجت علیه السلام نوشته شده‌اند، باورپذیرترند؛ زیرا از آن‌جا که پیش از غیبت نوشته شده‌اند، در مضامین آن‌ها تردیدی وجود ندارد. در واقع امامان معصوم علیهم السلام برای اقامه حجت بر مسلمانان، به اصحاب خود دستور نوشتن آن کتاب‌ها را دادند. این احتمال را بسیاری از کتاب‌هایی که هم‌زمان درباره سایر مسائل اسلامی نگاشته شده‌اند و همچنین وجود نویسندگانی از خواص اصحاب ائمه علیهم السلام و از بزرگان فقه‌های امامیه، تقویت می‌کنند. حتی اگر درباره این نویسندگان، مدح و توثیقی وارد نمی‌شد، تنها نقل اخبار غیبت پیش از تحقق و بعد از وقوع آن، دلیل درستی سخن آن‌هاست؛ زیرا خبر دادن از وقوع چیزی که پس از مدتی طولانی محقق خواهد شد، اعجاز است و دروغ نیست و امکان صدور این‌گونه خبرها به‌جز از منبع وحی وجود ندارد. شیخ صدوق در مقدمه کتاب *اکمال الدین و اتمام النعمة* به این مطلب اشاره می‌کند و می‌گوید:

ائمه علیهم السلام از غیبت حضرت حجت خبر داده و چگونگی وقوع آن را در روایاتی برای پیروان خود توصیف نموده‌اند که در حدود دویست سال کم‌تر یا بیش‌تر، پیش از وقوع غیبت در کتاب‌ها نوشته شده است و همه نویسندگان پیرو ائمه، این مطلب را در کتاب‌های خود نوشته‌اند و در کتاب‌هایی که به اصول معروفند، این مطلب آمده که سال‌ها پیش از زمان غیبت نزد شیعیان محفوظ بوده است. بنابراین، مؤلفان کتاب‌ها یا عالم به غیب بودند و به آن‌چه اکنون رخ داده در آن زمان آگاه بودند و آن کتاب‌ها را پیش از زمان غیبت نوشته‌اند، که این امر به نظر خردمندان و

محققان محال است؛ یا این که آن‌ها در کتاب‌های خود دروغ نوشتند و سپس آن‌گونه که آن‌ها نوشته بودند اتفاق افتاد، در حالی که محل‌های زندگی آنان از هم دور بود و نظریاتشان با هم اختلاف داشت، که این امر نیز مانند وجه اول محال است. پس وجهی باقی نمی‌ماند مگر این که بگوییم آن‌ها از زبان امامان خود چیزهایی نوشتند که امامانشان از پیامبر ﷺ درباره غیبت و ویژگی‌های آن، بیان کرده بودند. با این امر و مانند آن است که حق آشکار می‌شود و باطل از بین می‌رود؛ زیرا باطل ناپایدار است.

آن چه شیخ صدوق بیان کرده، درباره اصول معروف به اصول اربعمائه نیز صادق است. این اصول برای مجامع روایی شیعه به عنوان مصدر اساسی به شمار می‌آید و هر یک از آن‌ها مشتمل بر احادیثی است که صاحب آن اصل از امام معصوم بیان داشته و در کنار آن، احادیثی درباره مهدویت آورده است. این مطلب درباره اصولی که از سوی اتباع و اصحاب ائمه علیهم السلام و بزرگان فقه‌های امامیه بعد از آن جریان درباره مهدویت نگاشته شده نیز صادق است.

تألیفات پیش از ولادت حضرت مهدی علیهم السلام

از جمله کتاب‌هایی که درباره امام مهدی علیهم السلام، غیبت، هویت و ولادت آن حضرت، پیش از ولادتش نوشته شده‌اند عبارتند از:

1. الملاحم، تألیف اسماعیل بن مهران سکونی کوفی، از افراد ثقه و از اصحاب امام رضا علیه السلام؛
2. ما سئل عن الصادق من الملاحم، تألیف علی بن یقطین بغدادی، فردی ثقه و جلیل، درگذشته 182 قمری؛
3. الملاحم، تألیف ابراهیم بن حکم فزاری که نقل‌های وی قابل اعتماد است و فضل بن شاذان از وی روایت می‌کرد؛
4. الملاحم، تألیف احمد بن میثم فقیه کوفی که فردی ثقه است؛
5. الملاحم، تألیف حسن بن علی بن فضال کوفی، انسانی پرهیزگار و از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام که پیش از وفات خود در سال 224 قمری از مذهب فطحیه برگشت؛
6. الملاحم، تألیف حسین بن سعید بن حماد اهوازی، فردی ثقه و دانشمند از اصحاب امام رضا علیه السلام؛

7. *الغیبة*، تألیف ابی الفضل العباس بن هشام ناشری اسدی، فردی ثقه و جلیل، درگذشته 219 یا 220 قمری؛
8. *الملاحم*، تألیف ابی احمد محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی که همه بر ثقه بودن او اجماع کرده اند و آن چه را وی بدان تصحیح کرده، صحیح دانسته اند. وی از مشایخ ثقات، درگذشته 217 قمری است؛
9. *القائم*، تألیف ابی الحسن علی بن مهزیار اهوازی که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام روایت کرده است؛
10. *الغیبة*، تألیف ابی اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، فردی ثقه و از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهما السلام است و به جز این کتاب، سایر کتاب های وی از بین رفته است؛
11. *الملاحم*، تألیف ابی جعفر محمد بن عبدالله کرخی که برقی از وی روایت می کند؛
12. *الحجة*، درباره طولانی شدن غیبت قائم، تألیف فضل بن شاذان ازدی، فردی ثقه و جلیل از اصحاب امام رضا، امام هادی و امام عسکری علیه السلام درگذشته 260 قمری، پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام و معاصر ولادت حضرت مهدی علیه السلام؛
13. *القائم*، تألیف فضل بن شاذان ازدی؛
14. *الملاحم*، تألیف فضل بن شاذان ازدی و احتمالاً یکی از این سه کتاب، همان کتاب *الغیبة* مشهور فضل بن شاذان است که نزد سید میرلوحی از علمای معاصر علامه مجلسی موجود بوده و از آن در کتاب *کفایة المهتدی* خود نقل قول کرده است؛
15. *صاحب الزمان*، تألیف محمد بن الحسن بن جمهور قمی بصری، از راویان امام رضا علیه السلام؛
16. *وقت خروج القائم*، تألیف محمد بن الحسن بن جمهور قمی بصری.
- ذکر این تألیفات از باب استقصا نیست، بلکه از باب نمونه به آنها اشاره شد و از بیان دیگر کتاب هایی که درباره امام مهدی علیه السلام پیش از ولادت آن حضرت تألیف شده و در کتاب های تراجم آمده است، پرهیز کردیم؛ زیرا مؤلفان برخی از این کتاب ها امامیه اثنی عشری نیستند و به خصوص تعدادی از آنها از طایفه واقفیه بودند که به امامت امام رضا علیه السلام ایمان نداشتند و در فتنه واقفیه معروف، به امامت امام کاظم علیه السلام توقف کردند. مانند حسن بن علی بن ابی حمزة بطائی، صاحب

کتاب‌های *الفتن و الملاحم، الغیة* و کتاب *القائم الصغير* در مقابل کتاب *الغیة الکبیر*؛ او فرزند مؤسس فرقه واقفیه است با وجود فاسدالمذهب بودن، در آن چه روایت کرده موثق است. همچنین مانند علی بن عمر اعرج کوفی که کتاب دیگری را درباره غیبت تألیف کرده و نیز علی بن حسین طائی طاطری که او هم کتابی را درباره غیبت تصنیف کرده است. علمای رجال روایت آنان را با وجود فساد مذهبشان توثیق می‌نمایند. بنابراین ممکن است به این توثیق استناد نموده و در کنار دیگر کتاب‌هایی که پیش از ولادت حضرت قائم علیه السلام درباره مهدویت نوشته شده‌اند به کتاب‌های آنان نیز اعتماد کنیم.

همچنین به کتاب‌های علمای آن عصر که تاریخ وفاتشان مشخص نیست، یا درباره آن‌ها توثیق صریح وارد نشده اشاره نکردیم؛ زیرا کتاب‌هایی که بیان کردیم، در دلالت به مقصود و کشف شدت اهتمام امامان معصوم علیهم السلام به موضوع مهدویت، کفایت می‌کنند. همان‌گونه که به بسیاری از کتاب‌هایی که به صورت ضمنی متضمن حدیثی درباره مهدویت است، یا در ابواب خاصی آمده است اشاره نکردیم و در این جا تنها به ذکر کتاب‌هایی که به‌طور کامل درباره امام مهدی علیه السلام است اکتفا نمودیم.

آغاز تألیف اهل سنت درباره مهدویت

کتاب‌های تراجم، دائرةالمعارف و فهرست، چندین تألیف مستقل را که اهل سنت پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام نوشته‌اند، ثبت کرده‌اند؛ مانند *الملاحم* تألیف نعیم بن حماد مروزی، درگذشته سال 228 قمری که کتابی مشهور است و نخستین کتاب از سه کتاب اهل سنت به شمار می‌رود که سید علی بن طاوس در *التشریف بالمنین فی التعریف بالفتن* نقل می‌کند و نیز *اخبار المهدی* تألیف عباد بن یعقوب رواجینی، درگذشته سال 250 قمری که از رجال بخاری، ترمذی و ابن‌ماجه است. او در این کتاب، آن‌چه از مؤده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ظهور مهدی علیه السلام در متون آمده و از راه‌هایی که بزرگان فن بر اعتبار آن اجماع دارند گردآوری کرده که همه آن‌ها پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

حرکت تألیف کتاب‌های مستقل درباره امام مهدی علیه السلام از سوی علمای اهل سنت، مانند علمای شیعه در طول تاریخ اسلام ادامه یافت، هرچند نزد علمای شیعه کمی بیش‌تر بوده است. استاد علی محمد علی دخیل، سی کتاب، از تألیفات اهل سنت درباره امام زمان علیه السلام ذکر کرده است و همین‌طور

علامه ذبیح‌الله محلاتی چهل کتاب را با اسامی نویسندگان آنها که از علمای اهل سنتند بیان داشته و همه آن‌چه گفته شده، به عنوان نمونه و شاهد است، نه این‌که به صورت کامل آورده باشد. در کنار این کتاب‌ها، بسیاری از کتاب‌های علمای اهل سنت وجود دارد که متضمن ابواب یا فصولی مستقل درباره مهدویت و کمتر کتاب روایی اهل سنت را می‌توان یافت که از روایاتی درباره مهدی علیه السلام خالی باشد. در صحاح سته (کتب مشهور روایی اهل سنت)، نیز احادیثی درباره مهدویت آمده است، هرچند برخی گمان کرده‌اند در **صحیح مسلم** و **صحیح بخاری** حدیثی درباره مهدی علیه السلام نقل نشده، اما نادرستی این گمان ثابت شده است. این پدیده، شدت اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آشنا کردن مسلمانان با این مسئله سرنوشت‌ساز و تأثیر فراوان آن بر مسیر زندگی آن‌ها و تحقق اهداف کامل شریعت محمدی را منعکس می‌کند.

تطور در حرکت تألیف

تألیف درباره امام مهدی علیه السلام مانند سایر مسائل مهم اسلامی، با تطور تکاملی همراه بوده است که به حرکت تألیفی رو به تکامل، کارشناسی‌ها و نتایج استنتاجاتی که علما و متفکران از نصوص شرعی درباره مهدویت داشته‌اند اضافه شده است، یا براهین کلامی و عقلی که بر اصول مهدویت اقامه شده تکامل یافته و زواید آن حذف شده، همان‌گونه که این تکامل در قالب ترتیب ادله نقلی و براهین عقلی و تبویب آن‌ها نیز پدیدار گشته است. به این ترتیب، تکامل بسیاری را در شیوه تبویب کتاب **الغیبة** فضل بن شاذان که کتابش را پیش از ولادت امام تألیف کرده و کتاب **الغیبة** شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی، شاگرد ثقة الاسلام کلینی و یکی از علمای اواخر غیبت صغرا و آغاز غیبت کبرا مشاهده می‌کنیم؛ همان‌طور که تطور و تکامل بسیاری در تهذیب براهین کلامی در کتاب **الفصول العشرة فی الغیبة** تألیف شیخ مفید و بین رساله **المقنع فی الغیبة** تألیف شاگرد شیخ مفید، سید مرتضی می‌بینیم و نیز بین کتاب سید مرتضی و کتاب شهید صدر درباره مهدی علیه السلام این تکامل، آشکارا به چشم می‌خورد؛ همان‌گونه که این تطور با امتیاز مهم پاسخ به نیازهای فکری هر عصر درباره مهدویت همراه بوده است. بنابراین کتاب‌های تألیف شده در هر عصر، نصوص شرعی (کتاب و سنت) را که به نیازهای فکری آن عصر مربوط می‌شدند توضیح می‌دادند و در پاسخ به شبهات مطرح در هر عصر برهان عقلی اقامه می‌کردند. ابوالقاسم علی بن حسین بن بابویه قمی از علمای دوران غیبت صغرا در کتاب **الامامة و التبصرة من الحيرة** بر اثبات غیبت امام و خالی نبودن زمین از

حجت تمرکز کرده است. سید مرتضی که از آغاز غیبت کبرا حدوداً یک قرن رهبری شیعه را به عهده داشته، در رساله *المقنع فی الغیبة*، به اثبات امکان رهبری امت توسط امام و پرداختن به مسائل مهم امامت از پشت پرده غیبت اهتمام ورزیده و راه‌های قیام امام علیه السلام به این امور را بیان کرده است. علامه ابوالفتح کراچی، در گذشته سال 449 قمری نیز درباره اثبات طول عمر امام زمان علیه السلام تا زمانی که مصلحت الهی اقتضا می‌کند، کتابی تألیف کرده است.

ویژگی‌های اساسی مراحل تکامل تألیف بین شیعیان

پیش از ولادت حضرت حجت علیه السلام اصحاب ائمه علیهم السلام در تدوین احادیثی که از ائمه درباره غیبت و ظهور امام مهدی علیه السلام و وظایف مؤمنان در برابر آن حضرت در زمان غیبت و ظهور شنیده بودند و نیز پرورش مؤمنان برای داشتن ایمان به امام بدون مشاهده او می‌کوشیدند. حفظ این احادیث در اصلی مدون، به‌خصوص برای نسل‌های بعد، در حالی صورت می‌گرفت که اوضاع سیاسی آن روز، نقل این‌گونه احادیث را حتی بین شیعیان به‌طور جدی اجازه نمی‌داد. علت این امر، همان سیاست رعب‌انگیز حکومت عباسی بود که در برابر امامان معصوم علیهم السلام در پیش گرفته بودند و معتقد بودند مهدی موعود علیه السلام که حکومت جور و ستم را از بین می‌برد، از ائمه علیهم السلام است. از این‌رو، اصحاب ناگزیر بودند با تدوین اصلی، احادیث مهدویت را حفظ نمایند که این اصول مصدر و منبع مهمی برای احادیث گردید و علما در کتاب‌های مستقلی که به‌ویژه در زمان غیبت صغرا و اوایل غیبت کبرا نگاشتند، ابوابی را به مهدویت اختصاص دادند.

1. تألیف در عصر غیبت صغرا

ویژگی بیش‌تر مؤلفان مهدویت در دوران غیبت صغرا، تلاش برای برطرف کردن حالت تحیر ایجاد شده در میان مؤمنان به سبب فقدان ارتباط مستقیم با امام علیه السلام بود. مؤمنان، آن‌گونه که با پدران حضرت حجت علیه السلام به‌طور مستقیم ارتباط داشتند و به آن عادت کرده بودند، خواهان چنین ارتباطی مستقیم با امام خود بودند، در حالی که فضای ترس‌آور آن روزها حتی ارتباط غیرمستقیم (از طریق نواب اربعه) را دشوار کرده بود.

باید افزود که در مخفی نگه داشتن ولادت حضرت مهدی علیه السلام تعمدی در کار بود تا حضرت از شر شمشیر عباسیان در امان بماند.^۵ از این‌رو علما در گام نخست برای برطرف کردن این حیرت تمرکز نمودند. مؤلفان به دلایل نقلی، عقلی و اصولی که وجود حجت را اثبات می‌کرد پرداختند. مؤلفان این دوره عناوینی روشن برای کتاب‌های خود انتخاب کرده بودند که متضمن معنای نفی حیرت به‌طور

مستقیم یا غیرمستقیم بودند. با توجه به آن چه گفته شد، درمی یابیم تلاش آن ها برای برطرف کردن حیرت مؤمنان بوده است. حاصل این تلاش ها عبارتند از:

1. *الغیبة و كشف الحيرة*، تألیف ابی الحسن سلامة بن محمد بن اسماعیل از دی که شخصی ثقة و بزرگ از اصحاب ائمه علیهم السلام است؛^۶

2. *الغیبة و الحيرة*، تألیف ابی العباس عبدالله بن جعفر حمیری، شخصی جلیل القدر و ثقة، صاحب *قرب الاسناد و توقیعات صاحب الامر*، از اصحاب امام عسکری علیه السلام؛^۷

3. *الامامة و التبصرة من الحيرة*، تألیف ابی القاسم علی بن الحسین موسی بن بابویه، پدر شیخ صدوق که از معاصران امام عسکری علیه السلام و درگذشته سال 329 قمری است. وی شیخ قمیین در عصر خود و ثقة آن ها به شمار می رود؛^۸

4. *الشفاء و الجلاء*، تألیف احمد بن علی رازی که شیخ طوسی از این کتاب تمجید کرده است؛^۹

5. *الغیبة و كشف الحيرة*، تألیف شیخ ابی عبدالله محمد بن احمد صفوانی.^{۱۰}

عناوینی از این دست مخصوص کتاب هایی است که در این دوران نوشته شده است و چنین نام هایی را در کتاب هایی که پیش و پس از این دوران نوشته شده نیافتیم.

2. جمع آوری اصول در آغاز غیبت کبرا

از ویژگی های اواخر غیبت صغرا و اوایل غیبت کبرا تلاش مؤلفان در جمع آوری اصول نوشته شده در دوران گذشته درباره مهدویت و احادیثی که در این باره در کتاب های مستقل یا در کتاب های عام دیگر نقل شده، در قالب کتاب هایی جامع و به صورت دائرة المعارف با مرتب کردن آن ها در باب های منظم و با عناوینی گویا درباره عقیده شیعه به امام مهدی علیه السلام، غیبت آن حضرت، صفات، علایم ظهور، وظیفه مؤمنان در زمان غیبت و ... است. از کتاب هایی که در این مرحله تألیف شده، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1. *الغیبة*، تألیف طلایه دار مؤلفان موضوع غیبت، شیخ ثقة و جلیل القدر محمد بن ابراهیم نعمانی که کتاب وی از مهم ترین مراجع شیعه درباره مهدویت و بهترین کتاب به لحاظ تصنیف، ترتیب و عناوین مناسب به شمار می رود. احتمالاً نعمانی در حسن تبویب و تصنیف *الغیبة* از استاد خود ثقة الاسلام کلینی در کتاب مشهور *الکافی* متأثر بوده است؛

2. *ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان*، تألیف احمد بن محمد بن عیاش، درگذشته سال

401 قمری؛

3. *الغیبة*، تألیف حسن بن حمزه علوی طبری مرعشی، درگذشته 358 قمری. وی از بزرگان این طایفه و فقه‌های آن‌ها و شخصی پارساست که دارای تمجیدهای فراوانی از سوی بزرگان است.

4. *اکمال الدین و اتمام النعمة*، تألیف محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) که شخصی جلیل‌القدر و ثقة است و با دعای صاحب الامر علیه السلام در زمان حسین بن روح، سفیر سوم حضرت، به دنیا آمد و در سال 381 قمری وفات نمود. وی این کتاب را به دستور امام مهدی علیه السلام نگاشت و ظاهراً چند کتاب دیگر نیز درباره غیبت تألیف نموده است؛

5. *فی ذکر القائم من آل محمد*، تألیف احمد بن رمیح مروزی، درگذشته سال 357 قمری؛

6. *ازالة الران عن قلوب الاخوان*، تألیف ابی‌علی محمد بن احمد بن جنید؛

7. کتابی بزرگ در بیان کسانی از اصحاب حدیث که روایت کرده‌اند مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است، تألیف احمد بن محمد بن احمد گرگانی، که فردی پرهیزکار و ثقة و ساکن مصر بود.

3. پاسخ‌گویی به شبهات

دیگر ویژگی مرحله تکامل تألیف، پاسخ به شبهات مطرح شده درباره مهدویت است. محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید) رهبر شیعیان تا آخر قرن پنجم هجری همراه با دیگر مؤلفان آثار مهدوی، با بررسی شبهات فکری درباره امامت صاحب‌الزمان علیه السلام، غیبت آن حضرت، چگونگی بهره‌گیری از حضرت در زمان غیبت، طول عمر ایشان و نیز اعتراض‌های اهل سنت به موضوع مهدویت، درصدد پاسخ‌گویی به این شبهات برآمدند. از این‌رو، کتاب‌های تألیف شده در این مدت، به بررسی دلایل عقلی و برهان‌های منطقی و گسترش شاخه‌های شبهات متمایز می‌گردند و هیچ کتابی در این دوران خالی از این‌گونه استدلال‌ها نیست. از میان مهم‌ترین کتاب‌های تألیف شده در این دوران، می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:

1. *الفصول العشرة* (درباره غیبت)، تألیف شیخ مفید، درگذشته سال 413 قمری؛

2. *الجوابات* (درباره ظهور امام مهدی علیه السلام)، تألیف شیخ مفید؛

3. *النقض علی الطلحی* (درباره غیبت)، تألیف شیخ مفید؛

4. *جوابات الفارقیین* (درباره غیبت)، تألیف شیخ مفید؛

5. *المقنع* (درباره غیبت)، تألیف سید شریف مرتضی (شاگرد شیخ مفید)؛

6. *الغیبة*، تألیف شیخ محمد بن حسن طوسی. این کتاب جامع‌ترین و مفصل‌ترین اثر نگارش شده این دوره است که در آن، بسیاری از دلایل نقلی و استدلال‌های عقلی مطابق نظر امامیه درباره مهدی علیه السلام و رد شبهات از عقیده امامیه مطرح شده است؛

7. *البرهان علی طول عمر الامام صاحب الزمان*، تألیف ابی‌الفتح محمد بن علی بن عثمان کراچی، درگذشته سال 449 قمری؛

8. *الفرج الکبیر* (درباره غیبت)، تألیف شیخ ابی‌عبدالله محمد بن هبة الله بن جعفر وراق طابلسی (شاگرد شیخ طوسی). این کتاب نزد سید میرلوحی موجود بوده؛ زیرا وی در کتاب خود، *کفایة المهدی فی احوال المهدی* از آن روایاتی نقل کرده است.

4. تکمیل بنیاد و استمرار تطور

تکمیل بنیاد و استمرار تطور، از ویژگی‌های بارزی است که مراحل اساسی حرکت تألیف درباره مهدویت سپری کرده است و در آن، رهبران اسلامی، علما و مجاهدان توانسته‌اند نیازهای یک مسلمان را از قبیل ادله نقلی و عقلی برای رسیدن به ایمان سالم و قابل باور درباره مهدی منتظر و موجود بودن آن حضرت در حال حاضر حفظ کنند و نیز توجه آن حضرت به سرنوشت مؤمنان و اقدام ایشان به وظایف امامت از پس پرده غیبت را به اثبات رسانند. این امر مسلمانان را در شناختی درست از امام زمانشان و نجات آنان از مرگ جاهلی و نیز اقدام به وظایف خود در برابر مهدی علیه السلام، مقابله با شبهات و تشکیک‌هایی که علیه مهدویت صورت می‌گیرد و غلبه کردن بر دشواری فقدان ارتباط مستقیم و مشاهده علنی امام زمان علیه السلام در خلال غیبت آن حضرت، یاری می‌کند. از این رو، کتاب‌هایی که در این مراحل اساسی تصنیف شده‌اند، به عنوان مرجع اصلی در مطالعات ابعاد مختلف مهدویت به شمار می‌روند.

این که در فرآیند تطور حرکت تألیف، درباره مهدویت به این چهار مرحله اساسی اشاره کردیم، دلیلی بر پایان پذیرفتن مراحل تطور در قرن‌های بعد نیست، بلکه مقصود این است که آنچه یک مسلمان از اصول ادله نقلی و عمده‌ترین براهین عقلی که برای رسیدن به باوری سالم به امام زمان علیه السلام نیاز دارد، توسط علمای اعلام و رهبران اسلام در خلال این مراحل آماده شده است.

تلاش‌های علما در این مراحل تکامل یافته است و آنان در راستای حفظ اصول ادله نقلی و تدوین آن در کتاب‌های مستقل یا در ضمن کتاب‌های مجامع روایی تلاش ورزیده و پایه‌های براهین عقلی را پی‌ریزی نموده‌اند. از این رو بر علمای آینده است که این اصول را تفریع و تهذیب نموده و به توضیح آن برابر با نیازها و ویژگی‌های فکری هر عصر همت گمارند و از ادله نقلی در آن چه مرتبط به این نیازهاست استنتاج کنند.

حرکت تألیف درباره مهدویت در طول قرن‌های گذشته با این چارچوب ادامه یافت و عقیده به مهدی علیه السلام را تبیین نمود، به گونه‌ای که برای جویندگان واقعی، آن را از روز روشن‌تر ساخت. هم‌چنین حرکت تطور در تألیف درباره مهدویت در ابعاد گوناگون گسترش یافت - که این امر را در بحث از شیوه‌ها و روش حدیث تشریح خواهیم کرد - و به این ترتیب تلاش‌های علمای گذشته با اضافات تازه، اتقان دلایل و عقیده و باور به آن‌ها را افزایش داد.

روش روایی تألیف درباره امام مهدی علیه السلام

روش روایی از قدیمی‌ترین روش‌های تألیف درباره مهدویت بوده و بخش وسیعی از تألیفات در این روش جای می‌گیرد. البته روش روایی در چنین موضوعاتی امری طبیعی است؛ زیرا بسیاری از مسائل این‌گونه موضوعات را ایمان به غیب تشکیل می‌دهد که راهی برای شناخت آن جز از طریق منبع وحی الهی (کتاب و سنت) وجود ندارد؛ مانند نشانه‌های ظهور، خبر دادن از جنگ‌ها، خبر از حوادثی که مربوط به پیش از ظهور می‌شود، مانند ولادت امام زمان علیه السلام، سردرگمی مردم در دوران غیبت، طولانی شدن دوران غیبت، وقوع شک در اصل وجود امام، یا جریان‌هایی که در هنگام ظهور و پیش و پس از ظهور رخ می‌دهند و غیر این موارد، که احادیث فراوانی به تفصیل به آن‌ها پرداخته‌اند. این روش، اعتبار و ارزش خود را از اعتبار و ارزش مصادر وحی (قرآن و حدیث) می‌گیرد که اعتبار وحی و این مصادر در حوزه شناخت و هدایت مسلمانان به سوی سعادت حقیقی برای مسلمانان با براهین عقلی و اعجاز ثابت شده است و حجیت این مصادر از همین راه به‌طور کامل برای آن‌ها مبرهن بوده و به اثبات رسیده است.

عمل به این روش روایی درباره تألیفات مستقل درباره مهدویت، یا تألیفاتی که در آن‌ها، باب یا فصلی به مهدویت اختصاص یافته چند گونه‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

1. نگاه قرآنی

نگاه قرآنی به مهدویت دو گونه است:

1. نقل، تدوین و توضیح احادیثی که می‌تواند گروهی از آیات قرآن را درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه یا برخی از شأن‌های امام، تفصیل نقش تاریخی امام و دوران غیبت و ظهور آن حضرت به عنوان مصداق منحصر به فرد آن آیات، یا یکی از مصادیق و یا یکی از بطن‌ها و معانی تأویلی آن تفسیر کند.

ارزش این روش و حجیت احادیث به عنوان مفسر قرآن به سبب نص قرآن کریم است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبیین‌کننده قرآن است و روشن است تبیین در مرحله اول به تأویل و توضیح بطون قرآن که شناخت آن از طریق ظاهر آیات ممکن نیست، مربوط می‌شود. اما فهم ظاهر قرآن برای هر انسان عاقل میسر است، و گرنه خود قرآن به تدبر در آیاتش دستور نمی‌داد.^{۱۱}

اما قائل شدن این نقش برای ائمه علیهم السلام که جانشینان پیامبران هستند و منحصر کردن تبیین و تأویل قرآن برای آن بزرگواران را می‌توان از حدیث متواتر ثقلین که همه مذاهب اسلامی آن را بیان داشته‌اند و آیه تطهیر، آیه مس قرآن و غیر آن از نصوص مشهور شرعی ثابت کرد.^{۱۲}

در تصنیفات و مجامع روایی درباره مهدویت، کم‌تر کتابی می‌توان یافت که مشتمل بر ابواب جداگانه که متضمن احادیثی در تفسیر یا تأویل آیات مهدویت است نباشد، یا این‌که این احادیث و آیات در ابواب گوناگون بر حسب موضوع به‌طور پراکنده نیامده باشد. در کنار آن، تعدادی از تصنیفات را که به‌طور جداگانه به احادیث تأویل اختصاص داده شده و آن‌ها را در کتابی مستقل جمع‌آوری کرده می‌یابیم. به نظر می‌رسد اهتمام به این امر به زمان‌های گذشته برمی‌گردد و این دست از تألیفات را در ضمن کتاب‌هایی بیان داشتیم که گردآوری آن‌ها در اواخر غیبت صغرا و آغاز غیبت کبرا انجام گرفته بود که از جمله آن کتاب‌ها می‌توان به کتاب ابن عیاش معروف به *ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان* اشاره کرد.

از جمله کتاب‌های جامع در این بخش، *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة* تألیف سید هاشم بحرانی از علمای بزرگ قرن یازده و صاحب تفسیر روایی معروف به *البرهان* است که استدراکاتی بر آن اضافه شده که سید بحرانی بر آن احادیث دست نیافته بوده و عدد آیاتی که از مهدویت سخن گفته به 132 آیه می‌رسد.^{۱۳} روایات و آثار بسیاری در کتب تفسیری اهل سنت آمده است که آیاتی را به مهدی صلی الله علیه و آله تأویل برده و از رسول اعظم صلی الله علیه و آله و عده‌ای از صحابه نقل شده‌اند.

2. به گروهی از آیات بر حتمیت ظهور امام مهدی علیه السلام استدلال گردیده که اراده الهی به ظهور حضرت تعلق گرفته است؛ زیرا هدف از خلقت جن و انس، تحقق بندگی کامل برای خداوند و

اظهار اسلام بر همه ادیان آسمانی منسوخ و ادیان بشری مذموم است. بنابراین، به منطوق این آیه استدلال شده که اهداف مذکور در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تحقق نیافته و از سوی دیگر باید این اهداف به دست رهبری بزرگ که از سوی خداوند برگزیده شده محقق گردد؛ زیرا تحقق این مهم جز با دست امام معصومی که از جانب خداوند معین گردد ممکن نیست.

روش مذکور در مرحله نخست بر تفسیر منطوق و مقتضیات آیات تکیه می‌کند؛ اما برای پشتیبانی نتایجی که به آن می‌رسد از احادیث بی‌نیاز نیست، هرچند برای رسیدن به اصول عقیده به مهدویت، تفسیر ظاهر تعدادی از آیات و تحلیل مقتضیات آن‌ها کافی است. البته کتابی مستقل که به این روش عمل کرده باشد نیافتیم، به جز این که در برخی از کتاب‌های تفسیر، بحث‌های اندک و پراکنده‌ای در این زمینه وجود دارد که از عمق زیادی برخوردار نیست؛ مانند کتاب *موسوعة الامام المهدي* تألیف سید محمد صدر، کتاب *المهدي المنتظر فی الفكر الاسلامی* و کتاب *مع المهدي المنتظر فی دراسة مقارنة* تألیف شیخ فتلاوی که در این کتاب‌ها بحث‌هایی درباره مهدویت می‌توان یافت. به نظر می‌رسد به کارگیری روش نگاه مستقل و ژرف به ظاهر قرآن درباره عقیده به امام مهدی علیه السلام مفید است؛ زیرا ظاهر قرآن برای اقناع، رساتر و حجیتش قوی‌تر است.

آری، کتاب‌های مستقلی وجود دارد که در اثبات جنبه‌هایی از ابعاد مهدویت به تفسیر آیات استناد کرده‌اند و یا این آیات را بر مهدویت تطبیق نموده‌اند؛ مانند کتاب *آیات الحجة و الرجعة* در تفسیر آیاتی که مربوط به حجت و رجعت است، تألیف شیخ محمد علی بن حسن علی الحمدانی. کتاب دیگر، *آیات الظهور فی انتظار الفرج و السرور*، در تفسیر صد و ده آیه از آیات قرآن کریم و در شأن ظهور حجت و رجعت نگارش یافته است. همچنین می‌توان به کتاب *برهان البیان*، در تفسیر آیه 54 سوره نور، درباره حضرت قائم علیه السلام و دولت آن حضرت، تألیف سید ابی القاسم لاهوری، و رساله‌ای در تفسیر آیه *«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ...»* تألیف شیخ زین العابدین خان کرمانی اشاره کرد.^۴

2. استناد به حدیث

استناد به احادیث از قدیمی‌ترین روش‌ها درباره مهدویت به شمار می‌رود که میدان وسیعی را در میان آثار تألیفی مهدویت به خود اختصاص داده است. دلیل این امر به آن‌چه درباره روش روایی بیان کردم برمی‌گردد، به این بیان که صحبت از امام زمان به‌طور کلی صحبت از غیب است که برای شناخت آن راهی جز وحی وجود ندارد. افزون بر این، قرآن کریم چارچوب عامی را به این مسئله اختصاص داده است و تفصیل آن را بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت یعنی ائمه علیهم السلام گذاشته

است که این سنت قرآن در این گونه قضایاست. به کارگیری این روش در تألیفات علمای شیعه و سنی متفاوت است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

قدیمی‌ترین روش در توضیح و عرضه کردن عقیده مهدویت، استناد به احادیث شریفی است که امامیه از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نقل کرده‌اند. این روش، همان روش قدمای اصحاب ائمه علیهم‌السلام و اصحاب اصول و نیز روش بیش‌تر تألیفات زمان غیبت صغرا و آغاز غیبت کبراست که برخی از آن‌ها را در ضمن بحث از مراحل اساسی در حرکت تألیف درباره امام مهدی ﷺ بیان کردیم.

به کارگیری این روش در قرون گذشته ادامه داشت. تألیفات و تصنیفات علمای امامیه که در آن‌ها روایات اسلافشان درباره حضرت مهدی جمع‌آوری گردیده و درباره برخی از آن روایات بحث شده و نیز مدلولاتشان توضیح داده شده است. از این دسته از تألیفات می‌توان به کتاب‌هایی مانند کتاب *تحقیق غیبه المنتظر و ما جاء فیها عن النبی و الائمه و وجوب الایمان* تألیف تاج العلی اشرف بن افر بن هاشم علوی حسنی از علمای بزرگ قرن هفتم قمری اشاره کرد. مؤلفان همچون سید محمد بن میرلوحی موسوی سبزواری از علمای بزرگ قرن یازدهم در کتاب خود به نام *کفایة المهدی فی معرفة المهدی*، علامه مجلسی در *بحار الانوار* (ج 51 - 53)، میرزا نوری طبرسی از علمای بزرگ قرن چهاردهم در *النجم الثاقب*، سید محمد صدر از علمای معاصر در *دایرة المعارف* خود درباره امام مهدی ﷺ و سایر علما از این روش پیروی کرده‌اند.

روش‌های حدیثی شیعه

1. ارائه تصویری کامل از مهدویت

در این روش، تصویر امام مهدی ﷺ به‌طور کامل با تمام ابعاد و تفصیلاتش ارائه می‌شود که بدون به کارگیری این روش نمی‌توان به اطلاعات کامل و تفصیلی درباره آن حضرت دست یافت. دیگر روش‌های حدیثی نیز نمی‌توانند ما را از این روش بی‌نیاز سازند. دلیل مطلب این است که در احادیث بسیاری که رسول اکرم ﷺ در این باره فرموده است، به گونه‌ای که احادیث مهدوی آن حضرت، حدود 560 مورد هستند و در صحاح اهل سنت و ... روایت شده‌اند و همچنین در احادیثی که ائمه علیهم‌السلام از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، به همه جزئیات و ابعاد مهدویت پرداخته نشده است؛ زیرا اوضاع عمومی مسلمانان، اجازه بیان وظایف مسلمانان در عصر غیبت و نیز بسیاری از نشانه‌های ظهور را نمی‌داد. از این رو به اجمال درباره آن‌ها سخن گفته شده است. رسول خدا ﷺ احادیثی به صورت کلی و اجمالی

برای اثبات اصول امامت مهدی علیه السلام و نقش آن حضرت فرموده‌اند و تفصیل آن‌ها را به ائمه علیهم السلام واگذار کرده‌اند. احادیثی که اهل سنت دربارهٔ مهدویت از ائمه علیهم السلام روایت کرده‌اند به 876 حدیث می‌رسد، به استثنای احادیثی که آیات قرآن کریم را تفسیر کرده و به مهدویت تأویل برده شده‌اند که حدود 505 حدیث هستند.

به عبارت دیگر، امامان معصوم علیهم السلام آن‌چه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ مهدویت به اجمال بیان داشته است، تفصیل کرده‌اند، همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن‌چه را که در قرآن کریم دربارهٔ مهدویت آمده، تفصیل داده است. ائمه علیهم السلام در هر عصر به مقتضای اوضاع جامعه اسلامی به بخشی از ابعاد این موضوع اسلامی پرداخته و آن را توضیح داده‌اند و اگر اوضاع سیاسی اجازه نمی‌داد و شرایط مناسب نبود، تنها به نقل احادیثی از پیامبر اکتفا کرده‌اند و بدین ترتیب تصویر این موضوع را تکمیل نموده‌اند. بنابراین، کسی که بخواهد دربارهٔ امام زمانش به معرفت کامل دست یازد که موجب رهایی از مرگ جاهلیت است، از این روش بی‌نیاز نیست.

آری، قانع نمودن غیرشیعی به‌گونه‌ای که این روش آن را ترسیم می‌کند، به مقدماتی نیاز دارد تا حجیت اقوال ائمه علیهم السلام را با برهان عقلی یا ادله نقلی از طریق غیرشیعه ثابت نماید.

2. پشتیبانی روایات شیعی با روایات اهل سنت

نوع دوم از روش‌های حدیثی شیعه دربارهٔ مهدویت عبارت است از حمایت و پشتیبانی کردن احادیث شیعه دربارهٔ مهدویت، با احادیثی که اهل سنت از رسول اعظم صلی الله علیه و آله یا صحابه ایشان دربارهٔ مهدویت روایت کرده‌اند. هدف از به‌کارگیری این روش اثبات اصول عقیده امامیه همراه با دلایلی است که همه مسلمانان به آن معتقدند؛ مانند آن‌چه شیخ علی بن عیسی اربلی در کتاب *کشف الغمّة فی معرفة الائمة* آورده و سید علی بن طاووس در کتاب *الطرائف* به کار برده است. شیخ حر عاملی نیز در *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات* بر همین روش مشی کرده است.

در قرن‌های اخیر عمل به این روش به سبب تماس بیش‌تر بین شیعه و سنی افزایش یافته است. روشن است که این روش در مقایسه با نوع پیشین در مقام احتجاج رساتر است؛ زیرا آن‌چه را نوع اول ترسیم کرده، از طریق غیر امامیه پشتیبانی می‌شود.

3. استناد به روایات اهل سنت

این روش در مقام احتجاج کامل‌تر و رساتر از نوع دوم است. در این روش تلاش می‌شود اصول عقیده امامیه دربارهٔ امام مهدی علیه السلام، غیبت و هویت وی از طریق احادیث اهل سنت اثبات گردد، بدون

این که از احادیث شیعه بهره گرفته شود. عمل به این روش به صورت مستقل، زاده عصرهای اخیر است و از نمونه‌های بارز آن، کتاب **المهدی** نوشته سید صدرالدین صدر و بخش اعظم از کتاب **المهدی الموعود المنتظر** نوشته مرحوم شیخ نجم‌الدین عسکری است.

روشن است که این روش به تنهایی قادر نیست تصویری کامل از مهدویت با تمام ابعاد و تفصیلاتش را که روش اول و دوم ترسیم می‌کنند ارائه دهد؛ هرچند در مقام احتجاج و اقناع غیرشیعه به پذیرفتن عقاید امامیه بسیار مفید است، به‌ویژه درباره آن‌چه آشکارا به تعیین هویت امام مهدی علیه السلام مرتبط می‌شود. بی‌تردید تقویت این شیوه و عمل به آن به‌طور دقیق و نیز گسترش کتاب‌های مورد اعتماد اهل سنت و ملتزم شدن به صحت روایات آن‌ها برابر با معیارهای جرح و تعدیل آن‌ها، گام مهمی در راستای تقریب بین مذاهب اسلامی است. راهنمایی آن‌ها با محوریت مهم توحید، از راه توجه به رهبری امام معصوم زنده، که امور مهم امامت را از پشت پرده غیب انجام می‌دهد میسر است و احادیث بسیاری که همه مذاهب اسلامی به صحت آن‌ها اعتراف دارند بر آن دلالت می‌کنند.

روش‌های حدیثی اهل سنت

مهم‌ترین روش‌های روایی - حدیثی دانش‌مندان اهل سنت عبارتند از:

1. استناد به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه

در این روش، به احادیثی استناد می‌شود که سند آن‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، یا صحابه از آن حضرت نقل کرده‌اند و از آن‌جا که اهل سنت اقوال صحابه را حجت می‌دانند، کافی است. به نظر شیعه از آن‌جا که بسیاری از موارد جزئی در موضوع مهدویت، خبر دادن از غیب است که به‌جز سرچشمه گرفتن از منبع وحی برای آن راه دیگری وجود ندارد، لذا احادیثی که از طریق صحابه رسیده، در صورتی معتبرند که اطمینانی به صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته باشد و حضرت آن را به صحابی تعلیم کرده باشد، هرچند صحابی آن را تصریح نکرده باشد. دیگر این که صحابی ثقه و راست‌گو باشند و این شرط درباره هر یک از آنان به‌طور مجزا جاری است، بر خلاف عقیده اهل سنت که همه صحابه را عادل می‌دانند.

عمل به این روش در بسیاری از مجامع روایی اهل سنت که احادیث مهدی را روایت کرده‌اند مشهود است. اهل سنت روایات مهدوی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از صحابه مانند امام علی علیه السلام ابن مسعود، حذیفه، ابن عباس و ... روایت کرده‌اند. پیداست که در این روش، در نقل احادیث، تنها به طرق اهل سنت اکتفا شده است.

2. روایت اهل سنت از ائمه علیهم السلام

دومین روش روایی اهل سنت، روشی است که در آن چارچوب مصادر احادیث مهدویت توسعه می‌یابد و برخی از ائمه علیهم السلام را نیز شامل می‌گردد؛ زیرا احادیث مهدویت متضمن جزئیاتی است که در مصادر دیگر مفقودند. برای مثال نعیم بن حماد (متولد 228 قمری) چندین روایت را درباره مهدویت از امام باقر علیه السلام نقل کرده است و یوسف بن یحیی شافعی از علمای قرن هفتم در کتاب *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، متقی هندی صاحب *کنز العمال* از علمای قرن دهم در کتاب خود به نام *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان* و دیگر کسانی که احادیث مهدویت را از امامان علیهم السلام نقل کرده‌اند، به همین روش عمل نموده‌اند.

اما برخی علما اهل سنت که به این روش عمل کرده‌اند از ائمه علیهم السلام احادیثی را که به وضوح، عقیده امامیه را درباره امام مهدی علیه السلام، هویت و غیبت آن حضرت بیان می‌کرده روایت نکرده‌اند، بلکه بیش‌تر به نقل احادیثی که درباره علایم ظهور یا وقایع بعد از آن پرداخته، اکتفا کرده‌اند.

3. اثبات عقیده امامیه از سوی علمای اهل سنت از طریق شیعه

نوع سوم، روشی است که برخی از علمای اهل سنت به احادیثی که از ائمه علیهم السلام روایت شده، یا از طریق آن‌ها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، در اثبات عقیده امامیه به هویت مهدی منتظر علیه السلام و ولادت و غیبت آن حضرت استناد نموده‌اند و عقیده به مهدویت را با این روش بنا کرده‌اند، هرچند بر آرای خود در سایر مسائل اسلامی باقی مانده‌اند. از مهم‌ترین علمای اهل سنت که به این روش عمل کرده‌اند می‌توان به قندوزی حنفی (متولد 1270 قمری) در کتاب *ارزش‌مند ینابیع المودة* و پیش از وی جوینی شافعی (متولد 730 قمری) در کتاب *فرائد السمطين* اشاره کرد.

کسانی که این روش را به کار گرفته‌اند، در اثبات عقیده به مهدویت از پشتیبانی احادیثی که شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام روایت کرده با احادیثی که اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تعدادی از صحابه نقل نموده‌اند، غفلت نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد عاملی که این دسته از علمای اهل سنت را به احادیث ائمه علیهم السلام درباره مهدویت نیازمند ساخته، این است که آن‌ها دریافته‌اند تنها احادیث ائمه، به‌طور منسجم و معقول تصویری را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدویت از طریق اهل سنت ترسیم نموده تکمیل می‌کنند، همان‌گونه که آن‌ها در عقیده امامیه به امام مهدی علیه السلام تفسیر معقول را در گروهی از احادیث نبوی که در کتب اهل سنت

مورد تأیید قرار گرفته دریافته‌اند؛ مانند احادیث برپایی دین اسلام تا روز قیامت توسط امامی از امامان دوازده‌گانه قریش در هر عصر، و احادیثی که می‌گویند هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. قندوزی حنفی در *ینابیع المودة* و برخی از علمای اهل سنت به این عامل تصریح کرده‌اند.

4. اثبات عقیده امامیه از طریق اهل سنت

چهارمین روش حدیثی علمای اهل سنت درباره مهدویت اثبات اصول عقیده امامیه درباره مهدویت با استناد به احادیث نبوی است که اهل سنت بدون نیاز به روایاتی که از طریق شیعه از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام روایت شده نقل کرده‌اند. از نمونه‌های به‌کارگیری این روش، کتاب *البيان فی اخبار صاحب الزمان* تألیف حافظ محمد بن یوسف بن محمد قرشی نوفلی کنجی شافعی، معروف به فقیه الحرمین و مفتی العراقیین و محدث شام (متولد 658 قمری) را می‌توان نام برد. وی در مقدمه کتاب خود تصریح کرده که از طریق شیعه روایتی را هرچند صحیح، نقل نکرده و باب بیست و پنجم کتاب خود را به حدیث درباره جواز بقای مهدی در غیبت اختصاص داده است.

گفتنی است هیچ‌یک از علمای اهل سنت تلاش نکرده‌اند به احادیث شریفی که از طریق شیعه برای اثبات چیزی که اهل سنت به تنهایی به آن باور دارند تکیه کنند؛ مانند این که مهدی ﷺ از ذریه امام حسن علیهم‌السلام است، یا اسم او محمد بن عبدالله است، یا این که وی در آخرالزمان متولد می‌شود و مهدی امام دوازدهم از ائمه عترت طاهره نیست، برخلاف عقیده علمای امامیه به هویت امام مهدی ﷺ و غیبت آن حضرت، با استناد به احادیث نبوی که از سوی اهل سنت مورد تأیید قرار گرفته است.

روش کلامی - برهانی

روش کلامی - برهانی از روش‌های اساسی در حرکت تألیف درباره مهدویت است. این روش حتی در کتاب‌هایی که به روش روایی نوشته شده‌اند نیز وجود دارد. این روش، براهین عقلی را بر اصول عقیده امامیه درباره مهدی منتظر ﷺ و غیبت آن حضرت و مهم‌ترین جزئیات مهدویت عرضه می‌کند.

روش کلامی - برهانی از احادیث شریف اهل بیت علیهم‌السلام الهام گرفته است؛ زیرا بسیاری از احادیث مهدویت متضمن تنبیهات براهین عقلی درباره مهدویت است. این روش با توانایی برجسته‌اش در اقناع، استحکام بخشیدن ایمان و رد شبهات که علیه باور به مهدویت به وجود آمده، از برجستگی

خاصی بهره‌مند است. روش کلامی - برهانی با منطق درستش مفاد دلایل نقلی را تقویت می‌کند و می‌تواند حجتی در حوزه‌ای کلان اقامه نماید تا غیرمؤمنان را شامل گردد. از این‌رو ممکن است وسیله‌ای مؤثر برای ارائه مهدویت به غیرمسلمانان باشد؛ به‌ویژه این‌که ایمان به لزوم ظهور نجات‌بخش و مصلح جهانی، باوری است که همه ادیان آسمانی، بلکه ادیان غیرآسمانی به آن معتقدند.

به سبب اهتمام ائمه علیهم‌السلام به این روش، حرکت تألیف درباره مهدویت بسیار زود و در قالب تصنیفات مستقل پدید آمد. احتمالاً قدیمی‌ترین این‌گونه تصنیفات، آن‌گونه که در کتاب‌های تراجم ثبت گردیده، کتاب **ترتیب الأدلة** است که در دفاع از غیبت و امام غایب بر رد دلایل دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام توسط احمد بن حسین مهران‌آبی، از علمای عصر غیبت صغرا نوشته شده است و شیخ صدوق در کتاب **اکمال الدین** از وی روایت کرده و او را مورد تمجید قرار داده است که تمجید شیخ صدوق بر وثاقت و جای‌گاه رفیع وی دلالت دارد.

مکتب شیخ مفید

با تکامل یافتن علم کلام در بین شیعه به وسیله شیخ محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (مفید) اهتمام به این روش افزایش یافت و شیخ مفید با استناد به همین روش، پنج رساله مستقل در اثبات عقیده امامیه درباره امام مهدی علیه‌السلام تصنیف کرد. افزون بر کتاب **الغیبة** که در آن تنها به براهین عقلی اکتفا نکرده است. همچنین در کتاب **الایضاح فی الامامة** از روش عقلی پیروی نموده است.

سید مرتضی شاگرد شیخ مفید از استادش پیروی نموده و با استفاده از همان روش، چند رساله را درباره مهدویت نگاشته است؛ از جمله **المقنع فی الغیبة، الزیادة المکمل بها، المقنع** و نیز فصل‌های مهمی از کتاب ارزش‌مند **الشافی فی الامامة** که در آن‌ها نیز از روش عقلی پیروی شده است. همین روش را شیخ طوسی، شاگرد سید مرتضی در بخشی از کتابش به نام **الغیبة** به کار گرفته است. البته وی از دو روش روایی و کلامی - عقلی استفاده کرده است. همین‌طور شیخ تقی‌الدین حلبی در فصل‌هایی از کتابش به نام **تقریب المعارف** و سدیدالدین حمصی از علمای قرن ششم در **المنتقد من التقليد** از روش کلامی - برهانی استفاده نموده‌اند. به‌کارگیری این روش در قرن‌های بعدی ادامه یافت و علمای خبره به استدلال‌های کلامی - برهانی مطالبی افزودند و استدلال‌های

علمای گذشته را بازنگری کردند. از محصولات ارزشمند و مهم در این باب، کتاب *بحث حول المهدی* است که شهید محمدباقر صدر آن را با این روش نگاشته است.

روش بررسی تطبیقی

از روش‌های دیگری که حرکت تألیف درباره مهدویت شاهد آن بوده است، روش تطبیقی بین عقیده شیعه و غیرشیعه از سایر مذاهب اسلامی و بررسی ادله هر یک از آن‌ها طبق روش روایی و کلامی درباره مهدویت است. ویژگی مهم این روش، آگاهی از دلایل هر فرقه و مقدار صدق دلالت آن بر مقصود، تبیین نقاط قوت و ضعف دلایل دو طرف، مشخص شدن نقاط مشترک و اختلاف بین همه مسلمانان درباره مهدویت است. این روش انسان را در رسیدن به یک عقیده سالم که از دلایل نقلی صحیح و برهان‌های درست بهره‌مند است یاری می‌کند و نیز معرفت و آشنایی با نقاط مشترک انسان را به انتخاب یک نقطه آغاز مناسب برای گفت‌وگویی سازنده با سایر فرقه‌ها درباره مهدویت افزایش می‌دهد.

به نظر می‌رسد، اهتمام به این روش به زمان پیش از تاریخ حرکت تألیف درباره مهدویت می‌رسد؛ زیرا بحث‌های فراوانی در کتاب‌های شیخ مفید و سید مرتضی می‌یابیم که از این روش بهره گرفته‌اند و شیخ طوسی فصل‌هایی از کتاب *الغیبة* خود را به بررسی اقوال سایر فرقه‌ها درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و غیبت آن حضرت، اختصاص داده است. از کتاب‌های مستقلى که در آن‌ها این شیوه به کار رفته است می‌توان بیان *الاشکال فیما حکى من امر المهدى من الاقوال*، در بیان امامت و نص و حصر و صفت امام عجل الله تعالی تألیف سید علامه ابی‌عبدالله حمدان بن یحیی قاسمی حسنی از علمای قرن هفتم را نام برد.

از دیگر نمونه‌هایی که این روش را به کار گرفته‌اند، کتاب *المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة و الامامة* تألیف شیخ نجم‌الدین عسکری از علمای قرن چهاردهم است. در زمان اخیر کارهای ارزشمندی با استفاده از این روش صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب *مع المهدی المنتظر فی دراسة منهجية مقارنة بين الفكر الشيعي و السني* تألیف شیخ مهدی فتالوی و نیز کتاب *المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی* از سلسله نشریات مرکز رسالت تحت عنوان معارف اسلامی اشاره کرد.

روش تحلیل تاریخی

در چند دهه اخیر، تلاش‌هایی درباره مهدویت بر اساس روش تحلیل تاریخی صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان مجموعه سه جلدی سید محمد صدر درباره مهدی علیه السلام با نام *تاریخ الغیبه الصغری، تاریخ الغیبه الکبری و تاریخ مابعد الظهور* را نام برد. روشن است که این روش می‌کوشد با اعتماد به احادیث و آن‌چه شواهد و گزارش‌های مورخان اعم از شیعه و سنی از آن خبر داده‌اند، به صورت تسلسل تاریخی، وقایع مهدویت را اعم از آن‌چه واقع شده یا هنوز واقع نشده است ترسیم کند.

این روش در شناخت تکاملی حلقات حرکت امام مهدی علیه السلام برای تحقق نقش تاریخی آن حضرت جهت محقق ساختن اهداف الهی با شریعت کامل مفید است و از این‌جاست که می‌توان نقش کسانی را که درباره امامت، پیش و پس از ولادت آن حضرت ایفای وظیفه می‌کنند شناخت. هم‌چنین می‌توان کسانی را که زمینه‌ساز غیبت آن حضرت هستند و شیوه تحقق امامت در زمان غیبت و تحرکاتی را که زمینه ظهور آن حضرت را تسریع می‌بخشند، یا به تأخیر می‌اندازند و شناخت راه‌های زمینه‌ساز برای ظهور آن حضرت و وظایف مؤمنان در زمان غیبت را شناخت. آن‌گاه می‌توان با تصویر عدالت‌گستر حکومت بشری که اسلام آن را در سایه دولت مهدی وعده داده است به خوبی آشنا شد. این روش در تحلیل تاریخی خود از روش روایی استفاده کرده، به این معنا که از قرآن و احادیث و آن‌چه در منابع تاریخی شیعه و سنی آمده است و به مهدویت ارتباط پیدا می‌کنند بهره جسته است. هم‌چنین این روش در رسیدن به نتایج تحلیلی خود در تاریخ مهدویت به براهین عقلی و شیوه کلامی استناد می‌کند.

استفاده از پیش‌بینی‌های ادیان غیراسلامی

در تألیفات مهدوی روش‌های دیگری وجود دارد که نتایج مهمی درباره مهدویت ارائه نموده‌اند. از آن جمله استناد به نصوصی است که در ادیان آسمانی غیراسلامی آمده است و از آن می‌توان برای اثبات اصول عقیده اسلامی درباره امام مهدی علیه السلام بهره جست؛ مانند آن‌چه شیخ محمد صادقی در کتاب *بشارات العهدین* و سعید ایوب از علمای اهل سنت در کتاب *المسیح الدجال* آورده‌اند. از جمله این روش‌ها استناد به مصادر عقاید ادیان بشری مانند بودایی و غیر آن است که می‌توان از آن،

جهت اثبات جهان‌شمولی باور به اصل تفکر مهدوی بهره جست؛ مانند آن‌چه دکتر میرزا محمد مهدی خان در کتاب *مفتاح باب الابواب* و استاد عبداللطیف عاشور در *ثلاثة ينتظرهم العالم* آورده‌اند.

از ویژگی‌های مهم این روش، اثبات ریشه‌های فطری باور به مهدی علیه السلام است که حضرت، مصلح نجات‌بخش جهانی است. هم‌چنین این روش ما را در رسیدن به نتایج لازم برای شروع گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان درباره مهدویت در اندیشه اسلامی و بشارت به مهدی علیه السلام و معرفی کردن ویژگی‌های کامل آن حضرت یاری می‌کند.

از آن‌چه تا کنون گفته شد درمی‌یابیم هر یک از روش‌های مذکور ویژگی‌های مهمی دارند که در روش‌های دیگر دیده نمی‌شود. پس هر روش به سهم خود درباره مهدویت و توضیح باور اسلامی به آن، از سرچشمه‌ای معین به ما کمک می‌کند و در استحکام این باور و دستیابی به نتایج عملی آن سهیم می‌گردد. از این‌رو عمل به هر یک از این روش‌ها از جهتی برای مسئله مهدویت سودبخش است و آثار و نتایج سایر روش‌ها را کامل می‌کند و در ارائه تصویر دینی از امام عصر علیه السلام که برای نجات از مرگ جاهلی راهی به‌جز شناخت آن حضرت نیست، سهیم می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این نوشتار، ترجمه مقاله «تاریخ و مناهج التألیف عن القضية المهدویة» است که در مجله *الفکر الاسلامی*، سال چهارم، ش 16، 1417 قمری، منتشر شده است.

* عضو گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).

۲. اشاره به حدیثی معروف از منابع اهل سنت است که: «در رأس هر قرن، مجددی ظهور می‌کند.»

۳. مقصود کتاب‌ها و تحقیقاتی است که باور به مهدویت را در مذاهب گوناگون اسلامی تأیید می‌کند، اما کتاب‌هایی که درباره مهدویت تشکیک نمایند یا آن را نفی کنند، بسیار اندکند و در میان قدما کتابی مستقل در این باره هرگز تألیف نشده است. تشکیک ابن‌خلدون نیز در کتابی مستقل نیامده، بلکه در فصلی کوتاه در ضمن مقدمه تاریخ خود آورده است که معاصران وی و هم‌چنین کسانی که بعد از وی آمده‌اند به این قول توجهی ننموده‌اند؛ چون بحث وی تحقیقی نبوده و اعتقاد به مهدویت نزد همه مسلمانان ثابت و مشهور است. سرچشمه تشکیک درباره مهدویت و انکار آن، زاده اندیشه متأخران و به‌ویژه از سوی کسانی است که متأثر از مباحث و مطالعات شرق‌شناسان هستند. شرق‌شناسان به این دلیل درباره باور به مهدویت تشکیک نموده‌اند که آن را برای مصالح غربی‌ها مضر می‌دانستند. از سوی دیگر، آن‌ها کوشیدند جهان اسلام را غرب‌زده سازند. از این‌رو کتاب‌هایی شبهه‌آور مانند کتاب احمد امین مصری به نام *مهدوی و مهدویت* را منتشر کردند. هرچند نتوانستند اصل باور به مهدویت را که با دلایلی معتبر نزد مسلمانان ثابت شده انکار نمایند، اما ناگزیر به مغالطات اعتماد کردند تا ایجاد شبهه نمایند و افراد غیرمتخصص را گمراه سازند.

۴. معنای این سخن، انکار تأثیرپذیری حرکت تألیفات مهدوی از حوادثی که بر مسلمانان گذشته نیست، بلکه مقصود آن است که حوادث و جریان‌های مختلف، بر اصل اعتقاد به مهدویت و تألیفات مهدوی تأثیر نداشته است. آری، برخی از حوادث مهم، در افزایش تألیفات مهدوی و همچنین بر بعدی از ابعاد مهدویت تأثیرگذار بودند. از این‌رو مؤلفان احساس نمودند مسلمانان به آن بُعد از مباحث مهدویت نیاز بیش‌تری دارند، یا این‌که پنداشتند برخی از این حوادث تاریخی و اجتماعی، از علایم ظهور امام زمان علیه السلام هستند. دیگر دلیل تأثیرگذاری حوادث، اهداف سیاسی خاص برخی از فرقه‌های ظهور کرده بود که از اعتقاد به مهدویت برای اهداف خود استفاده نمودند. همچنین برخی کتاب‌ها اعتقاد به مهدویت را زیر سؤال بردند. ان شاء الله در فرصتی دیگر درباره این موضوع بحث خواهیم کرد.

۵. تاریخ الغیبة الصغری، ص 390.

۶. الفصول العشرة فی الغیبة للشیخ المفید، ص 264.

۷. منتهی المقال، ج 3، ص 362.

۸. الذریعة، ج 16، ص 77.

۹. معالم العلماء، ص 8.

۱۰. الذریعة، ج 16، ص 84.

۱۱. القرآن فی الاسلام، علامه طباطبایی، ص 35-39.

۱۲. نک: اشراقات قرآنی، ص 38-49.

۱۳. سید بحرانی 120 آیه را نقل کرده و محقق کتاب، محمد منیر میلانی 12 آیه را اضافه نموده است.

۱۴. نک: موسوعة معجم ما کتب عن الرسول و اهل بيته، تألیف استاد الرفاعی، ص 9، 81، 115، 172.